

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فقہ ۲

سطح ۲

درس ۱۹

استاد: حجت‌الاسلام والمسلمین امینی

آموزشیار: آقای حججی

مقدمه

بحث در درس‌های قبل به احکام شکیات نماز رسید، در درس گذشته به بحث و بررسی برخی از احکام آن پرداختیم. در این درس مباحث خود را در ارائه مستندات احکام شکیات نماز ادامه خواهیم داد. شک در عدد رکعات نماز از مسائل مورد ابتلای بسیاری از نمازگزاران است که برخی از این شکیات باعث بطلان نماز خواهد بود و در بعض موارد شک باعث بطلان نماز نخواهد شد. شک در دو رکعت اول نماز، شک در نمازهای دو رکعتی و سه رکعتی از شک‌های باطل کننده نماز است که در این درس به بحث و بررسی مستندات آن خواهیم پرداخت. شک بین دو و سه و شک بین سه و چهار از شک‌هایی است که باعث بطلان نماز نخواهد شد و بررسی ادله آن پایان بخش مباحث این درس خواهد بود.

متن عربى

٧- و أما الشك في عدد الركعات، فالأصل الأوّلى فيه بمقتضى اطلاق دليل الاستصحاب و ان اقتضى لزوم البناء على الأقلّ و لكنّ قد طرأ عليه التقييد في باب عدد الركعات بما دلّ على لزوم البناء على الاكثر و الاتيان بما يحتمل نقصانه بعد التسليم. فقد ورد في موثقة عمار عن أبى عبدالله عليه السلام: «يا عمّار اجمع لك السهو كلّ في كلمتين. متى ما شككت فخذ بالأكثر فإذا سلّمت فأتم ما ظننت أنّك نقصت».

و عليه فمقتضى الأصل الثانوى بمقتضى الموثقة المذكورة هو الحكم بصحّة كل صلاة يشكفى عدد ركعاتها و لزوم البناء على الاكثر إلّا إذا دلّ الدليل الخاصّ على العكس فيلتزم بتخصيصه كما سوف نلاحظ ذلك في الثنائية و غيرها.

٨- اما البطلان بالشكّ في الأوّلتين - خلافاً للصدوق حيث نسب له الحكم بالتخيير بين الإعادة و البناء على الاقل. - فلصحيحة زرارة: «قال أبو جعفر عليه السّلام: كان الذى فرض الله على العباد عشر ركعات و فيهنّ القراءة و ليس فيهنّ و هم - يعنى سهوا - فزاد رسول الله صلّى الله عليه و آله سبعا و فيهنّ الوهم و ليس فيهنّ قراءة. فمن شك في الأوّلتين أعاد حتى يحفظ و يكون على يقين، و من شكّ في الأخيرتين عمل بالوهم» و غيرها.

٩- و اما بطلان الثنائية بالشك، فلعدّة نصوص تكفيها منها صحيحة زرارة السابقة.

١٠- و اما بطلان المغرب بالشكّ، فلصحيحة حفص و غيره عن أبى عبد الله عليه السّلام: «إذا شككت في المغرب فأعد...» و غيرها.

١١- و اما حكم الشك بين الثنتين و الثلاث بما تقدّم، فهو المشهور و يدلّ عليه عموم موثقة عمّار المتقدّمة. الا أن الموثقة المذكورة تعيّن القيام في ركعة الاحتياط دون التخيير بينه و بين الجلوس.

و يمكن الجواب بان الصورة الآتية ثبت فيها التخيير، و حيث يقطع بعدم الفرق بين الصورتين فيثبت التخيير في صورتنا أيضاً.

١٢- و اما التقييد باتمام مقدار الذكر الواجب، فلانه به يتحقّق إكمال الركعتين الأوّلتين اللتين لا يدخل فيهما السهو.

١٣- و اما حكم الشكّ بين الثلاث و الأربع بما تقدّم، فيقتضيه عموم موثقة عمّار المتقدّمة و صحيح الحلبي عن أبى عبد الله عليه السّلام: «... ان كنت لا تدري ثلاثا صلّيت أم أربعاً و لم يذهب و همك إلى شىء فسلم ثم صلّ ركعتين و أنت جالس تقرأ فيهما بأمر الكتاب...».

یادآوری

در مباحث گذشته مستندات برخی از احکام را مورد بررسی قرار دادیم. این احکام عبارت بودند از حکم کسی که در خواندن نماز شک می‌کند که بیان شد این شک دو صورت دارد گاهی در داخل وقت به وجود می‌آید و گاهی در خارج از وقت، که در صورت اول باید نماز بجا آورده شود و در صورت دوم به شک اعتنائی نمی‌شود. درباره کسی که در جزء یا شرط نماز بعد از پایان نماز شک می‌کند نیز بیان شد که نباید به شک خود اعتناء کند. مسئله دیگری که به بررسی دلیل حکم آن پرداختیم وظیفه کسی بود که در اثناء نماز نسبت به انجام فعلی شک می‌کند که بیان شد در صورت ورود به فعل بعدی اعتنائی به شک خود نخواهد کرد و اما در صورتی که در فعل دیگر وارد نشده است باید آن را انجام بدهد.

شک در صحت افعال انجام شده، مسئله دیگری بود که مستند حکم آن «اصالة الصحة» ارائه شد. SCO ۱۰۱:۳۳

مستندات احکام شک در رکعات

دلیل بناء بر اکثر^۱

۱. بیشتر بدانیم: قانون کلی شارع مقدس برای شک در رکعات همان‌گونه که در احکام ذکر شد بناء گذاشتن بر «اکثر» است. لذا جای این سوال وجود دارد که چرا در شریعت به جای بنا گذاشتن بر «اقل» جانب «اکثر» ترجیح داده شده است و نماز گزار باید بنای عملی خود را بر جانب «اکثر» قرار بدهد؟! اهمیت این پرسش با توجه به فقه اهل سنت نیز دو چندان می‌شود، زیرا ایشان در شک بین عدد رکعات بناء را بر «اقل» می‌گذارند و دلیل آن اقتضای بنای عمل بر یقین می‌دانند؛ زیرا مکلف هنگامی که شک بین اقل و اکثر - مانند شک بین ۳ و ۴ - می‌کند در هر صورت نسبت به انجام اقل یقین دارد و اما نسبت به انجام اکثر شک برایش ایجاد می‌شود و با خواندن یک رکعت دیگر یقین می‌کند تعداد رکعاتی که باید انجام می‌داده است را خوانده است.

این سوال مهم را این‌گونه جواب می‌دهیم که برخلاف گمان اهل سنت که بناء بر «اقل» را بنای عملی بر طبق یقین می‌دانند، نظر شیعه و بنای بر «اکثر» بنای عملی طبق یقین و احتیاط می‌باشد.

توضیح بیشتر: این که در فقه شیعه بناء بر اکثر گذاشته می‌شود و سپس نسبت به رکعت مشکوکه، نماز احتیاط خوانده می‌شود به این دلیل است که شخص نماز گزار یقین کند که نماز خود را بدون هیچ خللی «زیاده یا نقیصه» انجام داده است. زیرا شخصی که بین اقل و اکثر شک می‌کند از دو حال خارج نیست یا واقعا اقل را فقط خوانده و هنوز اکثر را بجا نیاورده که در این صورت نماز احتیاط جبران کننده «اکثر» خواهد بود و با آن عدد رکعات نماز او کامل خواهد شد و یا این که در واقع «اکثر» را انجام داده است که در این صورت نیز بناء بر اکثر گذاشتن باعث می‌شود که نماز خود را به صورت کامل و بدون زیاده خوانده و نماز احتیاطی که به صورت جداگانه نیز بجا می‌آورد باعث زیاد شدن جزء زائد در نمازش نخواهد بود. اما اهل سنت که بناء را بر «اقل» گذاشته و یک رکعت به نماز خود اضافه می‌کنند در صورتی که نماز گزار در واقع اکثر را خوانده باشد این عمل باعث اضافه شدن جزء زیادی به نماز خواهد بود! به همین دلیل بنای عملی شیعه در شک بین عدد رکعات باعث یقین به انجام تکلیف بدون نقیصه و زیاده خواهد بود بر خلاف بنای عملی اهل سنت که در بعض موارد - که مکلف اکثر را واقعا انجام داده باشد - باعث یقین به انجام تکلیف بدون زیاده خواهد شد.

این حکمت حکم به بناء بر اکثر که بیان شد از بعضی از روایات نیز قابل استفاده است: سعد عن محمد بن الحسین عن موسی بن عمر عن موسی بن عیسی عن مروان بن مسلم عن عمار بن موسی الساباطی «قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن شيء من السهو في الصلاة؟ فقال: ألا أعلمك شيئا إذا فعلته ثم ذكرت أنك أتممت أو نقصت لم يكن عليك شيء؟ قلت: بلى. قال: إذا سهوت فابن على الأكثر فإذا فرغت و سلمت فقم و صل ما ظننت أنك نقصت، فإن كنت قد أتممت لم يكن في هذه عليك شيء و إن ذكرت أنك كنت نقصت كان ما صلّيت تمام ما نقصت»

شیخ طوسی در تهذیب با سند خود از عمار بن موسی ساباطی نقل می‌کند: «از امام صادق علیه السلام درباره چیزی از مسائل سهو در نماز سوال کردم. حضرت فرمود: آیا تعلیم ندهم تو را به چیزی که اگر آن را انجام بدهی و پس از آن به یاد آوردی که نماز را کامل خواندی یا تمام بر تو

اصل اولی

اصل اولی در شک بین عدد رکعات نماز این است که نمازگزار بناء را بر «اقل» بگذارد، زیرا در هنگام شروع نماز یقین به عدم انجام آن داشته است و در صورت شک نیز استصحاب حکم بر عدم اتیان آن را تا هنگام شک می‌کند. لذا اطلاق دلیل استصحاب شامل این مسئله نیز می‌شود.

اصل ثانوی

ادله‌ای که در عدد رکعات نماز وارد شده است، اطلاق دلیل استصحاب را در این مورد تقیید زده و حکم آن را از تحت اطلاقات استصحاب خارج می‌کند. از جمله روایاتی که بر لزوم بناء بر اکثر دلالت می‌کنند موثقه عمار است که در ادامه به بیان آن خواهیم پرداخت.

موثقه عمار

«یا عمّار اجمع لك السهو كله في كلمتين: متى ما شككت فخذ بالأكثر فإذا سلّمت فأتم ما ظننت أنك نقصت»!

«یا عمار حکم «سهو و اشتباه» را در دو جمله برای تو جمع می‌کنم: هنگامی که شک کردی جانب اکثر را اخذ کن و هنگامی که سلام دادی آن را تمام کن به مقداری که گمان داری ناقص انجام داده‌ای». همان‌گونه که ملاحظه می‌شود امثال این روایت بر لزوم بناء بر اکثر، هنگام شک در عدد رکعات دلالت می‌کنند و همین روایات باعث تقیید اطلاق دلیل استصحاب نسبت به موارد شک در عدد رکعات نماز خواهد شد.

نتیجه

مقتضای قاعده ثانوی هنگام شک در عدد رکعات، حکم به صحیح بودن نماز و لزوم بناء گذاشتن بر اکثر می‌باشد و اگر در موردی - مانند نمازهای دو رکعتی - دلیل خاصی بر خلاف این اصل وارد شد، توسط دلیل این اصل تخصیص زده خواهد شد. «FG»

۱. اصل اولی: به مقتضای اطلاق دلیل استصحاب، لزوم بناء بر اقل.

۲. اصل ثانوی: به مقتضای ادله و نصوص خاصه، لزوم بناء بر اکثر.

مقتضای اصل هنگام شک در عدد رکعات

دلیل باطل بودن نماز در صورت شک در دو رکعت اول

چیزی نباشد؟ اشکالی در نماز وجود نداشته باشد - عرض کردم: آری مرا یاد دهید. حضرت فرمود: اگر در نماز فراموش کردی - عدد رکعات برای تو اشتباه شد - بناء بر اکثر بگذار پس اگر از نماز فارغ شدی و سلام دادی بایست و نماز - احتیاط - بخوان به مقداری که گمان داری نماز را ناقص کردی، زیرا در این صورت اگر نماز را - در واقع - تمام خوانده بودی که چیزی بر عهده تو نیست و اگر به یاد آوردی که ناقص خوانده بودی آن نمازی که خواندی - نماز احتیاط - نماز تو را تمام خواهد کرد». «تهذیب الأحكام؛ ج ۲، ص: ۳۴۹».

۱. وسائل الشیعة الباب ۸ من أبواب الخلل الواقع فی الصلاة الحدیث ۱.

همان‌گونه که در احکام شکیات نماز بیان شد در صورتی که نمازگزار در هر یک از دو رکعت اول نماز شک کند، نمازش محکوم به بطلان خواهد بود، در این مسئله غیر از شیخ صدوق فقیه دیگری مخالفت نکرده است و به ایشان، تخییر بین اعاده و بناء بر اقل نسبت داده شده است. اما بر خلاف ایشان، قول مشهور، بطلان نماز و لزوم اعاده آن می‌باشد که برای اثبات آن به روایاتی تمسک نموده‌اند که در ادامه به آن اشاره خواهیم کرد.

صحیحۀ زرارہ

«امام باقر علیه‌السلام فرمود: آنچه خدا بر بندگان واجب کرده بود ده رکعت بود و در آن ده رکعت قرائت بود و در آن وهم - یعنی سهو و اشتباه - نیست، پس زیاد کرد رسول خدا صلی الله علیه و آله هفت رکعت و در آن وهم هست و قرائت نیست. پس کسی که شک در دو رکعت اول کند باید نماز را اعاده کند تا این که آن را حفظ کند و از روی یقین انجام بدهد و اگر کسی در دو رکعت اخیر شک کند به وهم عمل می‌کند».

در این صحیحہ امام علیه‌السلام به صراحت بیان فرموده‌اند که اگر در دو رکعت اول نماز شک شود باید آن را اعاده نمود.

دلیل مبطل بودن شک در نماز دو رکعتی

دربارۀ حکم شک در نماز دو رکعتی روایات زیادی وجود دارد، صحیحۀ زرارہ نیز که در مستند قبلی به آن اشاره شد، به عنوان دلیل مبطل بودن شک در نمازهای دو رکعتی کفایت می‌کند.

دلیل مبطل بودن شک در نماز مغرب

صحیحۀ حفص

«إذا شككت في المغرب فأعد...»^۱

امام صادق علیه‌السلام: «اگر در نماز مغرب شک کردی آن را اعاده کن». «FG»

- | | | |
|---|---|----------------------------|
| <p>۱. شک در دو رکعت اول: صحیحۀ زرارہ.
۲. شک در نماز دو رکعتی: صحیحۀ زرارہ.
۳. شک در نماز سه رکعتی: صحیحۀ حفص.</p> | } | دلیل مبطل بودن شک‌های باطل |
|---|---|----------------------------|

تطبیق

۷. و أما الشك في عدد الركعات، فالأصل الأولى فيه بمقتضى اطلاق دليل الاستصحاب و ان اقتضى لزوم البناء على الأقل^۲

۷. و اما شك در عدد ركعات، پس اصل اولی در آن، به مقتضای اطلاق دلیل استصحاب هر چند اقتضای لزوم بناء بر اقل دارد.

۱. وسائل الشیعة الباب ۲ من أبواب الخلل الحدیث ۱.

و لكنّ قد طرأ عليه التقييد في باب عدد الركعات بما دلّ على لزوم البناء على الأكثر و الاتيان بما يحتمل نقصانه بعد التسليم.

و لكن بر اطلاق استصحاب تقييد وارد شده است در باب عدد ركعات به آن چه كه بر لزوم بناء بر اكثر و آوردن آن چه احتمال كم بودن آن داده می شود بعد از سلام نماز، دلالت می كند.

فقد ورد في موثقة عمار عن أبي عبدالله عليه السلام: «يا عمّار اجمع لك السهو كلّ في كلمتين: متى ما شككت فخذ بالأكثر فإذا سلّمت فأتم ما ظننت أنّك نقصت»^۱.

به تحقیق وارد شده است در موثقه عمار از امام صادق علیه السلام: «یا عمار حکم همه سهو را در دو کلمه برای تو جمع می کنم: هنگامی که شک کردی پس سلام بده و کامل کن آن چه را گمان می کنی ناقص انجام داده ای».

و عليه فمقتضى الأصل الثانوى بمقتضى الموثقة المذكورة هو الحكم بصحة كل صلاة يشكى عدد ركعاتها و لزوم البناء على الأكثر

و بنابراین مقتضای اصل ثانوی به خاطر وجود موثقه ای که ذکر شد، حکم به صحت و لزوم بناء بر اكثر در هر نمازی است که در عدد ركعات آن شك شده است.

إلّا إذا دلّ الدليل الخاصّ على العكس فيلتزم بتخصيصه كما سوف نلاحظ ذلك في الثنائية و غيرها.

مگر این که دلیل خاص بر خلاف این حکم دلالت کند که تخصیص اصل اولی با آن لازم می شود، همان گونه که در نماز دو رکعتی و غیر آن ملاحظه خواهیم کرد.

۸. اما البطلان بالشكّ في الأوّليتين - خلافاً للصدوق حيث نسب له الحكم بالتخيير بين الإعادة و البناء على الأقل^۲ -

۸. اما بطلان نماز با شك در دو ركعت اول بر خلاف شيخ صدوق كه به او تخيير بين اعاده و بناء بر اقل نسبت داده شده است.

فلصحيحة زرارة: «قال أبو جعفر عليه السلام: كان الذي فرض الله على العباد عشر ركعات و فيهنّ القراءة و ليس فيهنّ و هم - يعنى سهوا -

به دلیل صحیح زرارّه می باشد: «امام باقر علیه السلام فرمود: آنچه خدا بر بندگان واجب کرده بود ده رکعت بود و در آن ده رکعت قرائت بود و در آن وهم - یعنی سهو و اشتباه - نیست

فزاد رسول الله صلّى الله عليه و آله سبعا و فيهنّ الوهم و ليس فيهنّ قراءة.

پس زیاد کرد رسول خدا صلی الله علیه و آله هفت رکعت و در آن وهم هست و قرائت نیست.

فمن شك في الأوّليتين أعاد حتى يحفظ و يكون على يقين، و من شك في الأخيرتين عمل بالوهم^۳ و غيرها.

۲. وسائل الشيعة الباب ۸ من أبواب الخلل الواقع في الصلاة الحديث ۱.

۱. جواهر الكلام ۱۲: ۳۲۹.

۲. وسائل الشيعة الباب ۱ من أبواب الخلل الحديث ۱.

پس کسی که شک در دو رکعت اول کند باید نماز را اعاده کند تا این که آن را حفظ کند و از روی یقین انجام بدهد و اگر کسی در دو رکعت اخیر شک کند به وهم عمل می‌کند». و غیر این صحیحه.

۹. و اما بطلان الثنائیه بالشک، فلعدّة نصوص تکفینا منها صحیحة زرارة السابقة.

۹. و اما بطلان نماز دو رکعتی به واسطه شک، به دلیل وجود روایاتی است که از آن روایات صحیحه زراره پیشین ما را کفایت می‌کند.

۱۰. و اما بطلان المغرب بالشک، فلصحیحة حفص و غیره عن ابي عبد الله عليه السلام: «إذا شککت فی المغرب فأعد...»^۱ و غیرها.

۱۰. و اما بطلان مغرب با شک، به دلیل صحیحه حفص و غیر او از امام صادق علیه‌السلام است: «هنگامی که در نماز مغرب شک کردی آن را اعاده کن» و غیر این صحیحه. SCO۲۱۶:۳۵

دلیل حکم شک بین رکعت دوم و سوم شهرت^۲

۳. وسائل الشیعة الباب ۲ من أبواب الخلل الحدیث ۱.

۱. مراد از شهرت فتوایی، شیوع و رواج فتوایی خاص، در مسأله‌ای خاص، در میان فقها می‌باشد، بدون آن که آن فقها، فتوای خود را مستند به دلیلی نموده باشند. برخی معتقدند، همین صرف رواج و شهرت فتوا حجت است و گروهی دیگر نیز قائل به عدم حجیت آن می‌باشند و بعضی هم مانند محقق اردبیلی (ره) گاهی به حجیت شهرت استناد نموده‌اند و گاهی نفی حجیت شهرت کرده‌اند. از جمله فقهایی که در فتاوی خود به نحو مکرر به شهرت استناد نموده‌اند، شهیدین علیهما الرحمة می‌باشند که موارد زیادی از استناد به شهرت را در «لمعه و شرح آن» می‌توان یافت. بطور کلی، از فقها نسبت به پذیرش و یا رد مسأله حجیت شهرت سه نظریه نقل شده است:

۱. حجیت مطلق شهرت ۲. عدم حجیت مطلق شهرت ۳. تفصیل بین شهرت میان متقدمین و شهرت میان متأخرین

۱. حجیت مطلق شهرت

الف) کتاب حکیم - استناد به ذیل آیه نبا: (... ان تصیبوا قوماً بجهالة فتصبحوا علی ما فعلتم نادمین).

استدلال به این آیه براساس آنچه که صاحب «فوائد الاصول» از مدافعان حجیت شهرت نقل نموده، بدین ترتیب است که: «جهالت» همان سفاهت است و عبارت است از اعتماد بر آنچه که اعتماد و اعتناء به آن شایسته نیست و اعتماد به شهرت، سفاهت نیست، پس شهرت حجت است. و مؤلف «الاصول العامة للفقهاء المقارن» در بیان این استدلال موافقان حجیت شهرت می‌گوید: از آنجا که در آیه، وجوب تبیین، منوط بر آن شده است که عدم تبیین، رفتاری جاهلانه (سفیهانه) باشد، بنابراین وجوب تبیین دائر مدار همین امر است، یعنی هر جا این مناط (اقتضای رفتار جاهلانه) وجود داشته باشد، تبیین واجب است و گرنه واجب نیست و از آن جا که استناد به شهرت فتوایی، جهالت و سفاهت به شمار نمی‌رود، تبیین واجب نیست و عدم وجوب تبیین، همان مقتضای حجیت است.

۲. عدم حجیت مطلق شهرت

مخالفان حجیت شهرت، برای اثبات نظریه خود، نیازی به اقامه دلیل ندارند، زیرا اصل بر عدم حجیت است و برای اثبات حجیت باید اقامه دلیل کرد، بنابراین بالاترین دلیل مخالفان حجیت شهرت، خدشه و رد ادله موافقان حجیت شهرت می‌باشد.

۳. نظریه تفصیل میان شهرت بین فقهای متقدم و شهرت بین فقهای متأخر

برخی از فقها معتقدند، شهرت فتوایی فقهای عصر ائمه علیهم‌السلام تا قبل از شیخ طوسی حجت است، اما شهرت فتوایی فقهای پس از شیخ، در فروع فقهی حجت نیست. قائلان این نظریه، آن را چنین توجیه می‌کنند که شهرت متقدمین که دأبشان ضبط «اصول متلقات» از ائمه علیهم‌السلام بدون تغییر و تبدیل در کتابهایشان بوده است و همچنین بنایشان آن بوده است که فتاوی مؤثر را خلفاً عن سلف تا زمان ائمه علیهم‌السلام مضبوط می‌نمودند و شیوه ایشان در فقه غیر از شیوه متأخرین بوده است، حجت است. پس اگر حکمی بین ایشان شهرت یابد و مقبول واقع شود،

همان‌طور که در بیان احکام شکیات نماز گذشت، اگر نماز گزار بعد از تمام کردن سجده دوم شک بین دو و سه کند، بناء را بر اکثر گذاشته و بعد از اتمام نماز، یک رکعت نماز احتیاط به صورت ایستاده یا دو رکعت نماز احتیاط به صورت نشسته می‌خواند. شهرت فتوایی فقهاء یکی از ادله این حکم می‌باشد.

عموم موثقه عمار

«یا عمار حکم همه سهو را در دو کلمه برای تو جمع می‌کنم: هنگامی که شک کردی پس سلام بده و کامل کن آن چه را گمان می‌کنی ناقص انجام داده‌ای».

اشکال

در موثقه عمار بناء گذاشتن بر اکثر را دلالت می‌کند، لکن ظهور آن در این است که نماز گزار باید یک رکعت نماز احتیاط را بجا آورد و ظهوری در تخییر نماز گزار میان یک رکعت ایستاده یا دو رکعت نماز نشسته ندارد.

جواب

با توجه به این که در مستند بعدی «شک بین سه و چهار» ثابت خواهیم کرد که نماز گزار بین دو رکعت نماز احتیاط به صورت نشسته، و یک رکعت نماز احتیاط ایستاده مخیر است و با قطعی که به عدم تفاوت میان این دو مسئله در حکم مذکور داریم، از حکم آن مسئله الغاء خصوصیت^۱ کرده و حکم آن را در این مسئله نیز جریان خواهیم داد. در نتیجه می‌توان اختیار مکلف را بین دو حالت در این مسئله نیز ثابت کرد.

از دلیل معتبری کشف می‌کند. زیرا در چنین شهرتی، مناط اجماع وجود دارد، بلکه اجماع چیزی جز این نیست. پس، همانطور که اجماع حجت است، چنین شهرتی نیز حجت می‌باشد؛ ولی همانگونه که اجماع متأخرین حجت نیست، شهرت فتوایی بین ایشان نیز حجت نمی‌باشد. طبق قول به تفصیل: نقل شهرت در صورتی حجت است که بدانیم ناقل، شهرت فقهای متقدم را نقل می‌کند. که در این صورت مشمول ادله حجیت خبر واحد می‌شود؛ اما اگر این امر را احراز نکنیم - چه نقل شهرت متأخرین را توسط ناقل، احراز کنیم و چه نه - نقل او حجت نیست اگر نقل شهرت متأخرین را احراز کنیم، چون اصل آن شهرت، حجت نیست، نقل آن نیز فایده‌ای از این جهت ندارد و اگر ندانیم، کدام شهرت را نقل کرده است، بواسطه علم اجمالی لازم است از آن احتراز نمود.

۱. الغای خصوصیت، حذف اوصاف و ویژگی‌هایی است که در دلیل حکم، همراه با موضوع است، اما نزد عرف دخالتی در ثبوت آن حکم برای آن موضوع ندارد و نتیجه آن، شمول حکم به مواردی است که فاقد آن اوصاف است. برای مثال، آیه «وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً» حد قذف کننده زنان محصن را بیان می‌کند و نسبت به قذف کننده مردان محصن ساکت است، اما با الغای خصوصیت زن بودن، حد یاد شده نسبت به قذف کننده مردان نیز جاری می‌شود.

تفاوت الغای خصوصیت با تنقیح مناط: گروهی از اصولیان این دو را یکی دانسته‌اند، لیکن برخی بین آن دو تفاوت قائل شده و گفته‌اند: تنقیح مناط، به دست آوردن ملاک و علت حکم با حذف علت‌های محتمل، و در نتیجه، تعمیم موضوع است، اما الغای خصوصیت، حذف ویژگی‌های مورد نص است؛ هر چند احتمال علت بودن محذوف نرود. از این رو، در الغای خصوصیت، به صرف حذف اوصاف و بدون تعیین علت، حکم عمومیت می‌یابد.

البته با الغای خصوصیت، به اجمال می‌توان فهمید که علت حکم در موضوع دارای خصوصیت و موضوع فاقد آن یکی است؛ چنانچه در تنقیح مناط نیز با به دست آوردن علت، دخالت نداشتن ویژگی‌های همراه موضوع در حکم معلوم می‌شود. برای مثال، با به دست آوردن علت حرمت خمر یعنی مست کننده بودن آن، خصوصیت نداشتن عنوان خمر و دیگر اوصاف آن مانند رنگ در ثبوت حکم معلوم می‌شود. شرط الغای خصوصیت آن است که اوصاف و ویژگی‌های مذکور در دلیل حکم، بر حسب فهم عرف، دخالتی در ثبوت حکم برای موضوع نداشته باشد.

تطبيق

۱۱. و اما حکم الشک بین الثنتين و الثلاث بما تقدّم، فهو المشهور و يدل عليه عموم موثقة عمّار المتقدّمة.
 ۱۱. و اما حکم شک بین دو و سه به آن بیانی که گذشت به دلیل قول مشهور است و بر آن عموم موثقة عمّار پیشین دلالت می‌کند.

الا أن الموثقة المذكورة تعین القيام في ركعة الاحتياط دون التخيير بينه و بين الجلوس.
 الا این که موثقة عمّار نماز احتیاط را در یک رکعت به صورت ایستاده متعین می‌داند، نه مختار بودن مکلف بین آن و نشستن.

و يمكن الجواب بان الصورة الآتية ثبت فيها التخيير، و حيث يقطع بعدم الفرق بين الصورتين فيثبت التخيير في صورتنا أيضاً.

و جواب این مطلب ممکن است به این که، در مسئله بعدی تخییر ثابت می‌شود و از آن جهت که قطع به عدم فرق بین دو مسئله وجود دارد، اختیار در این مسئله نیز ثابت می‌شود. SCOR ۲۳:۱۸

تقييد حکم به اتمام ذکر واجب سجده دوم

همان‌طور که در تبیین احکام شکایات نماز گذشت شک بین دو و سه در صورتی نماز مکلف صحیح است و با بناء گذاشتن بر اکثر نماز را تمام خواهد کرد و با نماز احتیاط حکم به صحت نمازش خواهد شد که شک بعد از تمام شدن ذکر واجب سجده دوم برای او حاصل شده باشد. دلیل این مطلب این است که در دو رکعت اول نماز وهم و شک جایی ندارد و اگر مکلف قبل از تمام کردن دو رکعت اول برایش شک حاصل شود باید نماز را اعاده کند. اما در صورتی که ذکر واجب سجده دوم رکعت دوم را تمام کند، در واقع شک او بعد از اتمام رکعتین بوده و موجب بطلان نماز او نخواهد شد. «FG»

۱. صحت نماز و بناء بر اکثر: مشهور.

۲. صحت نماز و بناء بر اکثر: موثقة عمّار.

۳. تخییر میان خواندن نماز احتیاط به صورت نشسته یا ایستاده: الغاء خصوصیت از مسئله مشابه.

۴. تقييد حکم به اتمام ذکر سجده دوم رکعت دوم: مبطل بودن شک در دو رکعت اول.

دلیل حکم شک بین ۲ و ۳

تطبيق

۱۲. و اما التقييد باتمام مقدار الذكر الواجب، فلانه به يتحقق إكمال الركعتين الأولى اللتين لا يدخل فيهما السهو.
 ۱۲. و اما تقييد حکم به تمام کردن ذکر واجب، به این دلیل است که با تمام شدن آن تکمیل دو رکعت اول که در آن سهو داخل نمی‌شود، محقق می‌شود. SCOR ۲۶:۰۲

این نوع الغای خصوصیت، صحیح و معتبر است و نقش مهمی در مقام استنباط احکام دارد؛ زیرا در موارد بسیاری، توسعه دائرة دلیل حکم، بر الغای خصوصیت متوقف است و بدون آن، حکم تعداد قابل توجهی از موضوعات به دست نمی‌آید.

دلیل حکم شک بین سه و چهار

عموم موثقه عمار

«یا عمار حکم همه سهو را در دو کلمه برای تو جمع می‌کنم: هنگامی که شک کردی پس سلام بده و کامل کن آن چه را گمان می‌کنی ناقص انجام داده‌ای».

صحیحہ حلبی

حلبی نقل می‌کند از امام صادق علیه السلام: «اگر نمی‌دانی سه رکعت خوانده‌ای یا چهار رکعت و گمان تو به سوی چیزی نمی‌رود، پس سلام بده و سپس دو رکعت نماز بخوان در حالی که نشسته‌ای و در آن سوره حمد را می‌خوانی».

با توجه به استفاده‌ای که از عموم موثقه عمار و صحیحہ حلبی خصوصاً می‌شود، نماز گزار در صورت شک بین سه و چهار بناء بر اکثر گذاشته و با خواندن نماز احتیاط حکم به صحیح بودن نمازش خواهد شد. «FG»

۱. موثقه عمار، عموماً.

۲. صحیحہ حلبی، خصوصاً.

دلیل حکم شک بین سه و چهار

تطبیق

۱۳. و اما حکم الشک بین الثلاث و الأربع بما تقدّم، فیقتضیه عموم موثقه عمار المتقدّمة

۱۳. و اما حکم شک بین سه و چهار به آن چه که گذشت، به سبب این است که حکم آن مقتضای عموم موثقه عمار پیشین است.

و صحیح حلبی عن ابي عبد الله عليه السلام: «... ان كنت لا تدري ثلاثاً صلّيت أم أربعاً و لم يذهب و همك إلى شيء فسلم ثم صلّ ركعتين و أنت جالس تقرأ فيهما بأمر الكتاب...»^۲.

۱. بیشتر بدانیم: عبارت «ولم يذهب وهمك الى شيء» که در این عبارت آمده است همان «تروی» به معنای فکر و تامل کردن است که در کتب فقهی و رسائل عملیه به آن اشاره شده است.

همان‌طور که در احکام تبیین شد شک در عدد رکعات نماز به دو قسم باطل و صحیح تقسیم می‌شود. اولی مانند شک در نمازهای دو یا سه رکعتی که موجب بطلان نماز می‌گردد و دومی مانند شک بین سه و چهار در نمازهای چهار رکعتی که در صورت عمل به وظیفه، نماز صحیح است. در هر دو قسم اگر به یک طرف یقین یا ظن حاصل شود، طبق همان عمل می‌گردد و نماز صحیح است؛ لیکن در اینکه به صرف عروض شک، عمل به احکام آن جایز است، یا واجب است تروی کند تا شک مستقر شود و یا به یک طرف، یقین یا ظن حاصل گردد، اختلاف است. بسیاری، تروی را واجب و شک ابتدایی را فاقد اثر دانسته‌اند. در مقدار تروی- بنا بر وجوب آن- در شکهای باطل اختلاف است. برخی آن را تا از بین رفتن صورت نماز و برخی تا رسیدن به یقین یا ظن و یا استقرار شک، واجب دانسته‌اند. در هر صورت تا قبل از روشن شدن تکلیف، انجام دادن کاری که نماز را باطل می‌کند جایز نیست.

۱. وسائل الشیعة الباب ۱۰ من أبواب الخلل الحدیث ۵.

و صحیحہ حلبی از امام صادق علیه السلام: «اگر نمی‌دانی سه رکعت خوانده‌ای یا چهار رکعت و گمان تو به سوی چیزی نمی‌رود، پس سلام بده و سپس دو رکعت نماز بخوان در حالی که نشسته‌ای و در آن سوره حمد را می‌خوانی.»

SCO۰۲۸:۲۶

چکیده

۱. در شک بین رکعات نماز هر چند اقتضای اطلاق دلیل استصحاب، بناء گذاری بر اقل است و لکن با توجه به ادله‌ای مانند موثقه عمار این اطلاق، در خصوص شک در عدد رکعات نماز مقید می‌شود و بناء بر اکثر گذاشته خواهد شد و فقط در مواردی که دلیل بر خلاف آن اقامه شود از آن صرف نظر خواهد شد.
۲. بطلان نماز با شک در دو رکعت اول نماز -بر خلاف نظر شیخ صدوق- به دلیل صحیحه زراره می‌باشد.
۳. بطلان نماز با شک در نمازهای دو رکعتی مانند نماز صبح و نماز مسافر به دلیل وجود روایاتی مانند صحیحه زراره می‌باشد.
۴. صحیحه فحوص بر بطلان نماز مغرب در صورتی که نماز گزار در عدد رکعات آن شک کند دلالت می‌کند.
۵. حکم شک بین دو و سه فتوای مشهور است و موثقه عمار نیز بر آن دلالت می‌کند.
۶. موثقه عمار اگر چه بر تعیین نماز احتیاط به صورت ایستاده دلالت دارد و لکن اثبات اختیار نماز گزار بین یک رکعت نماز ایستاده یا دو رکعت نماز احتیاط نشسته در مسئله شک بین سه و چهار و الغاء خصوصیت از آن در این مسئله -شک بین دو و سه- نیز ثابت می‌شود.
۷. تقیید حکم در شک بین دو و سه به جائی که ذکر واجب سجده دوم تمام شده باشد به دلیل این است با تمام شدن ذکر واجب اکمال دو رکعت اول که شک در آن مبطل نماز خواهد بود، محقق خواهد شد.
۸. حکم به صحت نماز و بناء گذاشتن بر اکثر و خواندن نماز احتیاط در صورت شک بین سه و چهار به دلیل عموم موثقه عمار و صحیحه حلبی می‌باشد.